



فردها دیر است...

یکی از علل عدم گسترش معارف اسلامی در جهان، نبودن منابع اصیل اسلامی و از جمله معارف قرآن در بین ملل مختلف است. البته در این مورد میزان کمبودها برای زبان‌های مختلف یکسان نیست. به طور مثال، زبان‌های عربی، فارسی، اردو، ترکی، بنگالی و انگلیسی از این لحاظ کم و بیش وضع خوبی دارند، اما تعداد زیادی از زبان‌های مشهور و پر مخاطب جهان مانند چینی، اسپانیایی، روسی، اندونزیایی و ژاپنی در این زمینه دارای کمبود شدیدی هستند.

علت این مشکل را باید بیشتر در برنامه و فلسفه آموزشی حوزه‌های دینی جست و جو کرد، زیرا معارف اسلامی عمدتاً از این مراکز انتشار می‌یابد، و علاقه‌مندان به این علوم نیز، با توجه به تخصصی بودن این گونه معارف، اصولاً از حوزه‌های علوم دینی فارغ التحصیل می‌شوند.

در جهانی که مادر آن زندگی می‌کنیم و دنیای ارتباطات و رسانه‌ها نام گرفته، مکاتب و اندیشه‌های مختلف همواره در حال برخورد و تضارب هستند، و در این میان مکتبی در تسخیر افکار موفق‌تر است که به وسیله صاحبان قلم و اندیشه بتواند آرمان‌ها و باورهای خود را به صورت مکتوب در سطحی مناسب و با اسلوبی مطلوب و هماهنگ با طرز فکر اقشار مختلف جامعه انتشار دهد. مبالغه نیست اگر گفته شود که موفقیت هر مکتبی با تعداد اهل قلم آن تناسبی تنگاتنگ دارد.

شیعه در گذشته خود را به عنوان یک اقلیت عقیدتی و به عنوان گروهی محروم در جهان اسلام می‌شناخته و کمتر اتفاق می‌افتاده که متفکر یا نویسنده‌ای تشیع را به عنوان مکتبی جهانی که دارای پیامی جهانی باشد مطرح کند. علما و دانشمندان این مکتب نیز، غالباً همفکران خود را مخاطب قرار می‌دادند و حاصل تلاش و دانش آنان تنها مورد استفاده شیعیان قرار می‌گرفت و اصولاً آنان با انگیزه تحکیم عقاید شیعه سخن می‌گفتند و یا آثاری را تألیف می‌کردند.

با پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی در ایران، تشیع برای نخستین بار به عنوان مذهبی گسترده‌تر از آنچه در گذشته درباره آن تصور می‌شد مطرح گردید. انقلاب اسلامی فرصتی برای شیعه فراهم نمود تا در تاریخ معاصر به فکر نشر اندیشه‌هایی فراتر از چهارچوب گذشته خود باشد و این موفقیتی است که نوید از آینده‌ای درخشان همراه دارد. امید است که دست اندرکاران برنامه‌ریزی دروس حوزه‌های علمیه به این مهم توجه شایانی نموده و برای حل مشکلات و زمینه‌سازی لازم در راه تحقق آن، اقدامات لازم را معمول دارند.

بدون شک یکی از شرایط اساسی موفقیت در نشر و گسترش معارف اسلامی در صحنه بین‌المللی، داشتن افرادی توانا، زبده و صاحب قلم است که گذشته از احاطه به معارف و علوم اسلامی، به یکی از زبان‌های زنده و مهم دنیا نیز تسلط کافی داشته باشند تا از طریق آنان علوم و معارف به دیگران منتقل شود. امروزه هر مکتبی که فاقد اهل قلم، اعم از مؤلف، محقق و مترجم باشد نمی‌تواند در جوامع علمی و فکری برای خود اعتباری کسب کند.

برای تحقق این هدف، و جبران بخشی از این کاستی‌ها که گریبانگیر حوزه‌های دینی است می‌توان از وجود دانشجویان خارجی که با انگیزه فراگیری علوم اسلامی و انتشار آن از جای جای جهان به ایران روی می‌آورند بهره جست، اما از نکات قابل توجه در مورد این فارغ‌التحصیلان، نداشتن قدرت انتقال علوم و معارف فراگرفته به زبان‌های محلی خودشان است، که این ضعف عمده‌تاً از دو ناحیه متوجه آنان می‌شود:

الف - عدم تسلط به ادبیات زبان مادری و محلی خود. زیرا این افراد دوره‌های مقدماتی را در مدارس دینی کشور خود می‌گذرانند و در آن زمان در سنینی هستند که هنوز ادبیات زبان محلی خود را به صورت علمی فرا نگرفته‌اند.

ب - پس از هجرت به ایران و دوری از وطن و عدم ممارست و مطالعه متون زبان اولیه

خود، ضعف آنان در تسلط به زبان مادری‌شان مضاعف می‌شود.

حاصل این دو مانع در عموم دانشجویان خارجی در حوزه‌های علمیه این است که پس از فراگیری علوم اسلامی و بازگشت به وطن خود، به فعالیت‌های محدود سستی که شامل کارهای اغلب روحانیون است و از محراب و مسجد تجاوز نمی‌کند بسنده می‌کنند. تحقیقی جامع روی عملکرد فارغ‌التحصیلانی که از آغاز انقلاب اسلامی تا کنون به ایران آمده و پس از گذراندن مراحل مختلف تحصیلی به کشور خود بازگشته‌اند می‌تواند بهتر ما را در شناخت این ضعف‌ها یاری دهد.

در این جا به عنوان راهکار، روش‌هایی را پیشنهاد می‌کنیم که اگر در حوزه‌های علمیه سراسر جهان و به خصوص در حوزه علمیه قم برای دانشجویان خارجی به مورد اجرا گذاشته شود نتایج مطلوب به دنبال خواهد داشت.

۱. ایجاد کتابخانه‌ای غنی و مجهز به کتاب‌های علمی و ادبی در رشته‌هایی چون دین، تاریخ، ادبیات، فلسفه، عرفان، اخلاق، کلام و سایر علوم مورد نیاز به زبان‌های مشهور و مهم جهان، مانند انگلیسی، اردو، اسپانیایی، فرانسه، آلمانی، روسی، چینی، ژاپنی، تا به این وسیله طلاب خارجی در مدت اقامت خود در ایران - که زمان کمی نیست - به منابع مورد نیاز و علمی در زبان مادری و یا زبان‌های بین‌المللی دسترسی داشته باشند. متأسفانه در حال حاضر چنین امکانی در ایران نه در مراکز آموزش عالی و نه در حوزه‌های علمیه وجود ندارد.

۲. تألیف و تدریس دروس مقدماتی از قبیل احکام، عقاید و اخلاق برای دانشجویان خارجی به زبان مادری آنان؛ زیرا این کار سبب می‌شود که دانشجویان محتوای مطالب را بهتر درک کنند و با صرف وقت کمتر به نتایج بهتری دست یابند، و علاوه بر این تسلط و مهارت آنان در گفتن و نوشتن به زبان خودشان همچنان افزایش یابد. البته در این که دانشجویان خارجی باید زبان فارسی و عربی را فراگیرند تردیدی نیست و طبعاً این آموزش برای آنان در طول تحصیلاتشان در ایران تا حدی مطلوب تحقق می‌یابد، آنچه مهم است این است که آنان بتوانند از راهی میان‌بُر به نتیجه بهتر و مطلوب‌تری نایل شوند.

۳. افزودن رشته ادبیات زبان‌های گوناگون برای ملیت‌های مختلف به عنوان یکی از متون درسی دانشجویان خارجی و دیگر علاقه‌مندان. این کار در بالا بردن مهارت فن نویسندگی و خطابه بسیار مؤثر و کارساز خواهد بود.

بنابراین، ترجمه و برگردان مفاهیم آیات قرآن مجید به زبان‌های زنده دنیا عمدتاً برعهده حوزه‌های علمیه و مراکز علمی و پژوهشی دینی است. این توقعی دور از واقعیت است که برای اشاعه کلام خدا در انتظار باشیم تا جهانیان خود با زبان قرآن و ادبیات عربی آشنایی پیدا کنند و از مواهب آن بهره‌مند شوند.

مرکز ترجمه قرآن مجید که با هدف ارائه ترجمه‌هایی صحیح و روان از مفاهیم قرآن به زبان‌های خارجی، تأسیس گردیده، در اولین قدم با کمبود نیروهای مسلط و کارآمد روبه‌روست که گذشته از آشنایی با معارف اسلامی به طور عموم، حظی وافر در شناخت زبان و ادبیات عرب داشته باشند و در انتقال مفاهیم آیات قرآن کریم، از قدرت کافی برای نوشتن و ترجمه به یکی از زبان‌های زنده دنیا برخوردار باشند. این حوزه‌های علمیه و مراکز دینی هستند که می‌توانند با تربیت نیروهای با استعداد و برنامه‌ریزی صحیح در این راه گام بردارند.

ما برای شیفتگان و علاقه‌مندانی که در خود توان انجام این رسالت سنگین را می‌بینند تمهیداتی فراهم نموده‌ایم که با استفاده از آنها بتوانند تلاش خود را به ثمر رسانند. اما بسترسازی مناسب برای رسیدن به نتیجه مطلوب در این میدان کاری فراتر از این را می‌طلبد. نگاهی اجمالی به آمار و ارقام تعداد زبان‌های دنیا و انتشار ترجمه‌های کامل قرآن و انجیل و مقایسه بین آن دو می‌تواند تا حدودی اهمیت موضوع را برای همگان روشن کند و ما را با رسالت سنگینی که در پیش رو داریم بیشتر آشنا سازد.

بنابر تحقیقات زبان‌شناسان، هم اکنون ۶۵۲۸ زبان میان اقوام و ملت‌های مختلف جهان رایج است.^۱ از سوی دیگر براساس آمارهای موجود تا سال ۱۹۹۵، تنها ۷۰ زبان از زبان‌های دنیا دارای ترجمه کامل قرآن مجید بوده است، در حالی که کتاب مقدس طبق آمارهای موجود تا سال ۱۹۸۹ به ۱۹۲۸ زبان مختلف ترجمه شده بوده است و همه ساله نیز بین ۲۰ الی ۳۰ زبان به ترجمه‌های موجود اضافه می‌شود.^۲

مروری دوباره به آمار و ارقام فوق، میزان تعهد ما را در اقدام به موقع برای اشاعه و انتشار

۱. نک:

Barbara F. Grimes (ed.) 1992 *Ethnologue: Languages of the World* 12th edn. Summer Institute of Linguistics Inc. Dalas, TX; R. E. Asher (ed.) 1994 *The Encyclopedia of Language and Linguistics*, vol. 10, p. 5189, Pergamon Press.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۳-۳۴۲.

گران‌قدرترین میراثمان نشان می‌دهد.

اگر سهم مسیحیان را در ترجمه کتاب مقدس از زمان حضرت مسیح تا کنون هر ساله یک عدد فرض کنیم، سهم مسلمانان در ترجمه قرآن مجید از زمان نزول آن تا کنون برای هر بیست سال یک عدد بوده است! اکنون اگر برای جبران گذشته همت کنیم و به جای هر بیست سال یک ترجمه، در هر سال ده ترجمه در ده زبان جدید از قرآن ارائه دهیم، حداقل دویست سال طول خواهد کشید تا به جایی برسیم که امروز مسیحیت بدان رسیده است، و معلوم است که تا دویست سال دیگر آمار ترجمه‌های کتاب مقدس بر اساس آنچه هم اکنون در دست انجام است به بیش از شش هزار زبان خواهد رسید.

هنگام آن است که از انجام کارهای احساسی و شعارگونه بپرهیزیم و با مطالعه و برنامه‌ریزی اصولی، برای کاری چنین بزرگ و اساسی تلاشی نو را آغاز کنیم. همان‌گونه که قبلاً اشاره کردیم، خوشبختانه اکنون در ایران اسلامی مراکز متعددی وجود دارد که گردانندگان آنها می‌توانند با همکاری و همدلی و تقسیم کار و مسئولیت برای این امر مقدس چاره‌ای بیندیشند. ما امیدواریم تجربه‌های گذشته درس عبرتی باشد تا از فرصت پیش آمده بهترین استفاده را بکنیم و با عزمی راسخ هر چه زودتر تدبیری بیندیشیم، که فردا دیر است.

سردبیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی